



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره‌مفیدی

تاریخ: ۲۰ فروردین ۱۳۹۲

مصادف با: ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۳۰

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه

موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام- مشایخ ثقات

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ششم: نجاشی

احمد بن علی بن احمد بن العباس ملقب به ابوالعباس که درباره او گفته شده فقط از ثقات روایت نقل کرده و همه مشایخ او از ثقات‌اند، نجاشی از بزرگان علم رجال و صاحب تألیف و کتب او مورد مراجعه در این فن است، اقوال او در مورد توثیق و تضعیف روایات فی‌الجمله مورد اعتماد است و یکی از کسانی که به نظر آنها در این رابطه اهمیت داده می‌شود نجاشی است.

دلیل:

عمده‌ترین دلیل بر اینکه نجاشی «لایروی الا عن ثقة» کلماتی است که خود او در مواضع مختلف بیان کرده، دو مطلب در کلمات نجاشی وجود دارد که از ضمیمه آن دو این ادعا ثابت می‌شود که «لایروی الا عن ثقة»:

مطلب اول: نجاشی در مواضع مختلف تصریح کرده که به طور کلی از کسانی که درباره آنها طعنی از حیث روایت وارد شده روایتی نقل نکرده و از ضعیف و غیر ثقات پرهیز داشته است.

مطلب دوم: خود نجاشی در بعضی موارد مشایخ خود را متصف به ثقات کرده و «مشایخ الثقات» تعبیری است که برای توصیف مشایخ بکار برده است. از ضمیمه این دو مطلب نتیجه گرفته می‌شود که نجاشی «لایروی الا عن ثقة».

اما در مورد مطلب اول که نجاشی تصریح کرده از کسانی که متهم بوده، همچنین درباره آنها طعن وارد شده و اصحاب آنها را تضعیف کرده‌اند روایت نقل نکرده به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

نجاشی در ترجمه محمد بن عبدالله بن ابی المفضل الشیبانی می‌گوید این شخص کوفی است و در طلب حدیث همیشه در حال مسافرت بوده، عمده اصحاب او را تضعیف کرده‌اند «رأیت هذا الشیخ و سمعت منه کثیراً ثم توقفت عن الروایة عنه الا بواسطة بینی و بینة»؛ من او را دیدم و روایات زیادی را از او شنیدم اما در روایت از او در مواردی که خودم چیزی را از او شنیده‌ام توقف کرده‌ام مگر اینکه بین من و او واسطه‌ای وجود داشته باشد، پس نجاشی می‌گوید چون اصحاب این شخص را تضعیف کرده‌اند من بی واسطه از او روایت نقل نمی‌کنم ولی با واسطه از او روایت نقل کرده‌ام.

۱. رجال نجاشی، ج ۲، ص ۳۲۲.

نهایت چیزی که از این مطلب استفاده می‌شود این است که نجاشی، مباشرتاً و بی واسطه از ضعیف روایت نقل نکرده اما این مطلب ثابت نمی‌کند که همه مشایخ نجاشی ثقة‌اند در حالی که مدعی ما این است که می‌خواهیم مشایخ بی واسطه و با واسطه او را توثیق کنیم در صورتی که این مطلب فقط وثاقت مشایخ بی واسطه او را ثابت می‌کند.

ممکن است گفته شود اگر این شخص ضعیف بوده چرا نجاشی بی واسطه از او روایت نقل نکرده اما با واسطه روایت نقل کرده؟ شاید وجه این مطلب این باشد که اگر واسطه‌ای در کار باشد و آن واسطه هم ثقة باشد مسؤلیت به عهده واسطه است.

مورد دوم درباره احمد بن محمد بن عبدالله بن حسن بن عیاش بن ابراهیم بن ایوب جوهری است، نجاشی می‌گوید من این شخص را دیده‌ام و دوست من و پدرم بود و از او هم روایات زیادی شنیدم، فضائلی هم داشت از جمله اینکه اهل علم و ادب و شعر بود و خط خوشی هم داشت لکن می‌گوید «رأيتُ شيوخنا يضعفونَه لم أرو عنه شيئاً و تجنبتُ»؛^۱ من دیدم شیوخ ما این شخص را تضعیف می‌کنند لذا به همین خاطر از او احتراز کردم و روایتی از او نقل نکردم. این مطلب هم ثابت می‌کند که نجاشی از غیر ثقات روایت نقل نکرده است.

ممکن است کسی ادعا کند واسطه‌ای بین ضعیف و ثقات نیست و اگر کسی از ضعیف نبود لزوماً از ثقات است و خود این مطلب هم به تنهایی می‌تواند ثابت کند که نجاشی «لا یروی الا عن ثقة» اما در مقابل گفته می‌شود عدم نقل از ضعیف به تنهایی نمی‌تواند ثابت کند که همه مشایخ نجاشی ثقة بوده‌اند؛ چون ممکن است وقتی نجاشی می‌گوید من از ضعیف یا کسی که مورد طعن قرار گرفته روایت نقل نمی‌کنم از کسی روایت نقل کرده باشد که نه مدح شده باشد و نه ذم یا از کسی روایت کند که توثیق نشده باشد لذا صرف عدم نقل از ضعیف اثبات نمی‌کند که نجاشی «لا یروی الا عن ثقة»، لذا برای اینکه استدلال تکمیل شود باید مطلب دوم را هم به این مطلب ضمیمه کنیم و آن اینکه خود نجاشی در بعضی از عبارات به ثقة بودن مشایخ تصریح کرده از جمله اینکه در ترجمه محمد بن احمد بن جنید اسکافی ملقب به ابو علی می‌گوید: «وجهٌ فی اصحابنا ثقةٌ جلیل القدر و سمعتُ بعضُ شیوخنا یذکر انه کان عنده مالٌ للصاحب (ع) و سیفٌ ایضاً، له کتاب تهذیب الشیعة لاحکام الشریعة و سمعتُ شیوخنا الثقات یقولون عنه انه کان یقول بالقیاس و اخبرونا بالاجازة عنه له بجمیع کتبه و مصنفاته»^۲؛ ابن جنید ثقة و جلیل القدر است و شنیده‌ام که نزد او مال و شمشیری وجود دارد که متعلق به امام عصر (عج) می‌باشد و صاحب کتاب تهذیب الشیعه هم می‌باشد - نقل شده که این کتاب حدود ۲۰ جلد بوده است - و شنیدم از شیوخ ما که همگی ثقة‌اند، لکن مشکل ابن جنید این است که معتقد به قیاس بوده است.

شیخ طوسی هم در مورد ابن جنید می‌گوید: «کان جید التصنیف حسنه الا انه کان یری القول بالقیاس فترکتُ لذلك کتبه»^۳؛ ابن جنید معتقد به قیاس بود لذا من به کتب او اعتماد نکردم.

۱. همان، ص ۲۲۶.
۲. همان، ج ۲، ص ۳۱۰.
۳. فهرست شیخ طوسی، ص ۱۶۰.

تعبیر «شیوخنا الثقات» دال بر این است که همه مشایخ نجاشی ثقه بوده‌اند.

با ملاحظه این دو مطلب که نجاشی ادعا می‌کند من از کسانی که اصحاب، آنها را تضعیف کرده یا مورد طعن قرار داده‌اند روایت نقل نکرده‌ام، همچنین مشایخ خودش را متصف به ثقات می‌کند، این مدعا که نجاشی «لایروی الا عن ثقه» ثابت می‌شود.

مؤید: علاوه بر دلیل فوق مؤیدی هم بر این مطلب وجود دارد که نجاشی «لایروی الا عن ثقه» و آن مؤید این است که همه مشایخ نجاشی معلوم و مشخص‌اند یعنی کسانی که نجاشی از آنها روایت نقل کرده مجهول نیستند، مرحوم آقای خوبی عدد مشایخ نجاشی را تا ۶۰ نفر ذکر کرده^۱، پس مشایخ نجاشی معلوم هستند و در بین آنها ضعیف وجود ندارند لذا می‌توان گفت نجاشی از غیر ثقات روایت نقل نمی‌کند. پس در مورد نجاشی هم می‌توان گفت که «لایروی الا عن ثقه».

«والحمد لله رب العالمین»

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۱۶۷.